

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۷/۱

* تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۱/۹/۳

بررسی تطبیقی حقوق کودک در قرآن و کنوانسیون حقوق کودک

دکتر جواد ابروانی* (استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی)
مهدی عبادی* (دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی - دانشگاه فردوسی مشهد)

چکیده

حقوق کودک از مهم‌ترین بحث‌ها در حوزه حقوق خانواده می‌باشد. در همین زمینه، مکاتب گوناگون حقوقی، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه داده‌اند. این نوشتار به مقایسه دیدگاه‌های دو نظام حقوقی مطرح و مهم می‌پردازد؛ یعنی نظام حقوقی قرآن که جامع‌ترین منبع هدایت بشر است و کنوانسیون حقوق کودک که شالوده آخرین تلاش‌های انسان قرن بیست و یکم در عرصه بین‌الملل می‌باشد.

در این نوشتار، بعد از بررسی جایگاه حقوق کودک و معرفی دو نظام حقوقی، به منظور بررسی تطبیقی دو نظام، تفاوت‌های آنها را در سه حوزه مبنایی، محتوایی و روشی یادآور شده است. پس از بررسی تطبیقی دو نظام حقوقی و ملاحظه تفاوت‌های آن دو، روشن می‌شود که حقوق کودک در قرآن از سطح فاخرتر و برتری نسبت به کنوانسیون حقوق کودک برخوردار است؛ چرا که کنوانسیون گرچه دارای نقاط مثبت و خوبی است، اما برخی از حقوق اصلی کودک را نادیده گرفته است.

کلید واژگان: قرآن، کنوانسیون حقوق کودک، کودک، حقوق.

* irvani_javad@yahoo.com

* mahdi.ebadi65@gmail.com

مقدمه

امروزه مباحث حوزه خانواده و زیر شاخه‌های آن از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. اگر چه بحث در این حوزه از دیرباز وجود داشته است، با توجه به تحولات عصری و چالش‌های فراروی انسان قرن بیست و یکم (بهشتی، تربیت کودک در جهان امروز، ۱۶۶) این حوزه نیز مورد توجه و کنکاش بیشتری قرار گرفته است و اهمیت بیش از پیش آن، از تلاش‌های تئوری و عملی برای یافتن راه حل‌ها و پاسخ به مشکلات فرارو نمودار گشته است. از جمله مباحث حوزه خانواده، حقوق و وظایف هریک از اعضای خانواده می‌باشد [۱] و به دلیل اینکه کودک ضعیف‌ترین و شاید مهم‌ترین عضو خانواده است، حقوق او از مهم‌ترین حقوق انسانی است؛ زیرا اگر کودکان از مراقبت و حقوق ویژه‌ای برخوردار نباشند، نمی‌توانند در سایه این حقوق از صحت و سلامتی روحی و جسمی برخوردار شده، حضوری مفید و کارساز در اجتماع داشته باشند. لذا مباحث حقوق کودک از مسایل ریشه‌ای و مهم است که در میان انبوه دیگر مسایل علوم انسانی اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

قرآن جامع‌ترین منبع هدایتی بشریت نیز درباره حقوق کودک حرف‌های بسیاری دارد (بهشتی، اسلام و حقوق کودک، ۴۲) و نظام حقوقی منحصر به فردی را تعریف می‌کند. در دیگر مکتب‌ها و اندیشه‌ها نیز توجه به مسایل کودک، خصوصاً حقوق او، وجود دارد، اما این سؤال مطرح است که در میان غوغای اندیشه‌ها و مکتب‌ها کدام نظام حقوقی، جامع‌تر و برتر است و کدام یک علاوه بر تئوری پردازی‌های عالی به ارایه راهکار و روش و آسیب شناسی در حوزه عمل دست زده است و به طور کلی، در جامعه کنونی باید به کدام مکتب عمل کرد و نظام حقوقی آن را پذیرفت.

جایگاه حقوق کودک

تعریف و تبیین مسایل و مشکلات اجتماعی مبتلا به کودکان و حل مشکلات و احقاق حقوق آنان در درجه نخست به مسئله تعریف کودک، دوران کودکی ایده‌آل و ارزش‌های

موجود در این حوزه و حقوق و جایگاه کودک در جامعه بستگی دارد. کودک یا صغیر در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد (عبادی، حقوق کودک، ۵/۱).

در جهان معاصر، احترام به حقوق کودک، اندیشه‌ای اساسی در تربیت آنان و حمایت و مساعدت همه جانبه در رشد فکری و سلامت روحی و روانی آنان به شمار می‌رود (بهشتی، تربیت کودک در جهان امروز، ۶). بررسی وضعیت نوجوانان یا جوانان بزهکار نشان داده که در اکثر موارد، حقوق آنان در ایام کودکی تضییع شده یا بنا بر شرایطی یکی از شکنجه‌های روحی و روانی را مشاهده کرده‌اند (رشیدپور، تربیت کودک از دیدگاه اسلام، ۱۰۵). در عصر حاضر، امور تربیت و اصلاح از سوی مراجع قضایی و سایر نهادهای حمایتی و با عنوان یک حق برای کودکان مورد نظر و اهمیت است.

امروزه مجامع قضایی قبل از اینکه تکلیف به رسیدگی در جرایم کودکان و نوجوانان کجرو اجتماعی و بزهکار داشته باشند، بیش از همه به شخصیت یک کودک و نقش تربیتی آنان توجه دارند (سعیدنیا، مجموعه قوانین اطفال و نوجوانان، ۸۸). نگاه تحول‌گرایانه قوانین و مقررات در جوامع بین‌المللی و تفسیر موسع آن به نفع احقاق حقوق کودک این نوید را می‌دهد که هدف، همسو شدن افکار جهانی برای جلوگیری از آسیب‌ها و لطماتی است که کودکان را از رسیدن به حقوق واقعی و قانونی آنان باز می‌دارد.

کودکان در روند رشد و بلوغ و پس از آن برای ورود به جامعه دارای نیازهای اساسی هستند که چنانچه در دوران کودکی مورد توجه واقع نشود، چه بسا خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر جامعه تحمیل خواهد کرد.

در این میان، حقوق کودک نه تنها به عنوان یک تکلیف بر عهده والدین است (بختبار نصرآبادی، نگاهی به اصول و راهبردهای تربیت کودک با تاملی بر آیات و روایات، ۱۳)، بلکه جامعه (قدرت عمومی) نیز باید با توسعه سیستم‌های حمایتی و نظارتی نسبت به احقاق حقوق کودکان به عنوان آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه از آن دفاع نماید و برنامه‌ریزی هدفداری را به منظور رسیدن به هدف‌های برتر مورد توجه قرار دهد.

برده‌داری، بهره‌کشی به اشکال مختلف، تجاوز، آسیب‌های روانی و جسمی و محرومیت از آموزش، بخشی از تضييع حقوق کودکان است. با ظهور مکاتب جهانی و پیشرفت روز افزون حقوق فردی و اجتماعی و نیز ارتقای آگاهی‌های عمومی و توسعه دولت‌ها و وظایف ذاتی حکومت به عنوان دفاع از منافع و مصالح عمومی، باید تلاش بیشتری صورت گیرد تا بستر مناسب جهت احقاق حقوق کودک یا جلوگیری از پامال نمودن آن در جوامع فراهم شود.

حقوق کودک در قرآن

قوانین در یک تقسیم‌بندی کلی، به قوانین الهی و بشری تقسیم می‌شوند. قوانین بشری به دلیل عدم شناخت کامل انسان، از جامعیت لازم برخوردار نیست و نمی‌تواند به همه ابعاد روحی و روانی انسان توجه لازم را داشته باشد؛ به همین سبب، این حقوق غالباً در حال تغییر و تحول می‌باشند؛ لذا تغییر آراء در تعیین حقوق انسانی و التزام و پایبندی به قوانین بشری بسیار تردید آمیز است.

از آنجا که هرگونه برنامه‌ریزی برای انسان مستلزم شناخت جامع از ابعاد و پیچیدگی‌های اوست و این امر جز به مدد وحی میسر نمی‌شود، همه صورت‌بندی‌ها و تدوین‌های فارغ از جهان وحی ناقص و نارساست. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَّا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» (نحل / ۱۷)؛ «و آیا کسی که می‌آفریند، هم‌چون کسی است که نمی‌آفریند؟! آیا (غافلید) و متذکر نمی‌شوید؟!». و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَّا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (یونس / ۳۵)؛ «و آیا کسی که به سوی حق راه‌نمایی می‌کند شایسته‌تر است که پیروی شود، یا کسی که راه نمی‌یابد، مگر آن که راه‌نمایی شود؟! پس شما را چه شده، چگونه داوری می‌کنید؟!»

بنابراین، ضروری است قانون‌گذاران و مجریان حقوق بشر برای برپایی عدالت و احقاق حقوق انسانی، صرفاً به قوانین الهی که جامع‌ترین آنها در دین مبین اسلام و قرآن

آمده است، تمسک جویند. قرآن از ابتدای کودکی انسان، وظایف سنگینی بر عهده پدر و مادر او و در ادامه بر عهده حکومت گذاشته است تا انسانی سالم، مفید و ثمربخش تحویل اجتماع گردد، در حالی که تا قرن بیستم هیچ قانون مدونی در سطح بین‌المللی برای کودکان نوشته نشده است. [۲]

در مورد حقوق کودک در قرآن تقسیم بندی‌های زیادی ارائه شده است و انواع مختلفی مانند حقوق زیستی، عاطفی، تربیتی، اخلاقی، روانی، اجتماعی، معنوی، مالی و... آمده است (لباف، حقوق فرزند از نظر قرآن و سنت، ۸-۱۰)، اما در یک جمع بندی کلی می‌توان آنها را به دو دسته مادی و معنوی تقسیم کرد.

حق حیات، حق شیر خوارگی، حق نام‌گذاری و نام‌گذاری و نام‌نیکو، حقوق مالی و تأمین آتیه فرزندان از حقوق مادی است. حقوق معنوی نیز شامل سه بخش ذیل می‌باشد:

۱. حقوق هدایتی (دعا کردن، استغفار و طلب توبه، توجه به دین و خط فکری صحیح)؛
۲. حقوق تربیتی (نصیحت و موعظه کردن، مسئولیت پذیری، پرورش و آموزش تجربه‌ها)؛
۳. حقوق روانی (محبت و احترام، اعتماد و مشورت، نگرانی و دلسوزی).

تاریخچه حقوق کودک در عرصه بین‌الملل

به لحاظ تاریخی، تحولات اقتصادی و اجتماعی قرون نوزدهم و بیستم و وقوع انقلاب صنعتی در قرن نوزدهم و شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری و رشد فرآیند صنعتی شدن و شهرنشینی، تغییرات اساسی درباره کودک، جایگاه و تکالیف او در جامعه به وجود آورد. ورود زنان و کودکان به بازار کار بنا به ضرورت اولیه صنعتی شدن و سرمایه‌داری و تغییرات اساسی در ساختار و کارکردها و مناسبات خانوادگی، فرآیند استثمار زنان و کودکان را شدت بخشید. از طرف دیگر، ابعاد منفی تحولات اجتماعی در نیمه دوم قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم و استعمار و پیدایش جنگ‌های جهانی اول و دوم، آوارگی و مهاجرت‌های گسترده و گسترش ابعاد جهانی فقر، بهره‌کشی و نابرابری را به همراه داشت که بر وخامت اوضاع کودکان، به ویژه در جوامع در حال توسعه، افزود.

با رشد سریع جمعیت، فرآیند زنانه و کودکانه شدن فقر، محرومیت‌ها و آسیب‌های اجتماعی، ضرورت توجه جدی به کودکان از طریق تلاش‌های بین‌المللی و بشردوستانه مطرح شد.

نخستین اعلامیه حقوق کودک در واکنش به پیامدهای ناشی از جنگ جهانی اول و آسیب‌های ناشی از آن بر کودکان در سال ۱۹۲۴ در ژنو تنظیم شد. پس از تأسیس صندوق بین‌المللی کودکان (یونیسف) در سال ۱۹۴۶ و در ادامه تلاش‌های بین‌المللی، دومین اعلامیه حقوق کودک در سال ۱۹۵۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید (اسعدی، خانواده و حقوق آن، ۴۰۸).

با نام‌گذاری سال ۱۹۷۹ به عنوان «سال جهانی کودک» توسط سازمان ملل، یک جنبش بین‌المللی پیرامون موضوعات کودکان به وجود آمد و به تغییر دیدگاه‌های موجود در مسایل کودکان منجر شد. این اقدام، آگاهی عموم نسبت به گستردگی تهدیداتی که در مقیاس جهانی رفاه و سعادت کودکان را در معرض تهدید قرار می‌داد، به وجود آورد. تصور گذشته را مبنی بر اینکه محرومیت‌های مادی تنها مشکل اساسی کودکان است، مورد تردید جدی قرار داد و این ایده را مطرح ساخت که خشونت‌های اجتماعی علیه کودکان تهدیدهای جدی‌تری هستند.

این اقدامات و توجه به ضرورت دخالت دولت‌ها در حمایت و پشتیبانی از کودکان موجب شد که در سال ۱۹۸۹ کنوانسیون جهانی حقوق کودک در سازمان ملل تدوین شود که امروزه اکثر کشورهای جهان آن را پذیرفته‌اند. قریب ۸۰ سند و کنوانسیون و مدارک بین‌المللی دیگر نیز به نوعی و با روش‌های مختلف، به مباحث مرتبط به حقوق کودک توجه و ارتباط دارد. ولی کنوانسیون حقوق کودک به لحاظ اینکه همه ابعاد کودک را مورد بررسی و یا جوانب مختلف حقوق کودک را در بر می‌گیرد، بیش از همه ضمانت اجرا برای کنترل رعایت مفاد آن وجود دارد.

کنوانسیون حقوق کودک

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در اجلاس بیستم نوامبر ۱۹۵۹ اعلامیه جهانی حقوق کودک را در یک مقدمه و ده ماده به تصویب رساند، در قسمتی از مقدمه این اعلامیه چنین آمده است: «این اعلامیه حقوق کودک را با این هدف که ایام کودک توأم با خوشبختی بوده و کودک از حقوق و آزادی‌هایی که در پی خواهد آمد، به خاطر خود و جامعه‌اش بهره‌مند شود، رسماً به آگاهی عموم می‌رساند...» (عبادی، حقوق کودک، ۱/ ۱۷۷) و در پی آن پس از گذشت سی سال (سال ۱۹۸۹) به منظور تکمیل و در نظر گرفتن حقوق و امتیازات بیشتر برای کودکان، این مجمع، «کنوانسیون حقوق کودک» را تصویب کرد (همان، ۱/ ۱۸۳).

در دیباچه این کنوانسیون به اهداف، تاریخچه و علل تصویب آن چنین اشاره شده است: «با اعلام پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی سازمان ملل متحد و تضمین بهره‌مندی تک‌تک افراد بشر از حقوق مندرج در آن به دور از وابستگی‌های نژادی، جنسی، مذهبی، فرهنگی، سیاسی، مالی، قومی و یا هرگونه تبعیض دیگری و با توجه به اینکه سازمان ملل متحد در اعلامیه جهانی حقوق بشر به رعایت حقوق ویژه کودکان و حمایت آنها تأکید کرده است؛ و به دنبال آنچه در اسناد حقوق کودک ذکر شده است مبنی بر اینکه: کودک به خاطر عدم بلوغ جسمی و روانی خود، نیازمند حمایت ویژه حقوقی قبل و بعد از تولد می‌باشد؛ و بر اساس مصوبات و قراردادهای مربوط به حمایت کودکان، و بر پایه این واقعیت که در بسیاری از کشورهای دنیا، کودکان در موقعیت بد و نابسامانی زندگی می‌کنند و نیاز به توجه فوری و ویژه دارند؛ و با درک اهمیت و ارزش همکاری‌های بین‌المللی برای بهبود شرایط زندگی کودکان در همه دنیا و به ویژه در کشورهای در حال رشد، پیمان نامه‌ای برای حفظ و رعایت حقوق کودکان جهان به تصویب می‌رسد» (عبادی، حقوق کودک، ۱/ ۱۹۰؛ سعیدنیا، مجموعه قوانین اطفال و نوجوانان، ۲۰۸؛ منصور، قوانین و مقررات مربوط به خانواده، ۱۶۵).

این کنوانسیون شامل مقدمه و سه بخش و پنجاه و چهار ماده می‌باشد. بخش اول که چهل و دو می‌باشد، به مواردی از قبیل ذیل اشاره نموده است: تعریف کودک، بهره‌مندی یکسان تمامی کودکان از حقوق مطروحه در کنوانسیون، حمایت از کودک بی خانواده، فرزند خواندگی، کودکان آواره و کودکان ناقص العضو.

همچنین حقوقی که باید از طرف دولت‌های عضو برای کودکان به رسمیت شناخته شود، مانند حق بقاء و پیشرفت، حق نام و ملیت، حق آزادی ابراز عقیده و به کارگیری آن در هر موردی که به زندگیش مربوط می‌شود، حق آزادی بیان، حق آزادی مذهب، حق تشکیل اجتماعات، حق عدم دخالت در امور خصوصی، خانوادگی و مکاتبات، حق دسترسی به اطلاعات از منابع مختلف، حق برخورداری از بالاترین سطح بهداشت، حق برخورداری از آموزش و پرورش، حق عدم مجازات اعدام و حبس ابد در مورد کودکان زیر هیجده سال، حق تفریح و بازی و... تصریح شده است.

دوازده ماده بخش دوم و سوم ناظر به شکل اجرای کنوانسیون می‌باشد. مواد ۴۶ و ۴۷ نحوه الحاق به کنوانسیون را مورد تبیین قرار داده است (عبادی، حقوق کودک، ۱/ ۱۸۹-۲۱۸؛ سعیدنیا، مجموعه قوانین اطفال و نوجوانان، ۲۰۸-۲۴۲؛ منصور، قوانین و مقررات مربوط به خانواده، ۱۶۵-۱۹۹).

در سال ۱۳۷۲، دولت جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون ملحق گردید مشروط بر این که: «مفاد کنوانسیون در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد و از طرف دولت جمهوری اسلامی لازم‌الرعايه نباشد» (عبادی، حقوق کودک، ۱/ ۱۸۷؛ ضیایی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، ۸۵-۸۳؛ سعیدنیا، مجموعه قوانین اطفال و نوجوانان، ۲۰۷؛ اسعدی، خانواده و حقوق آن، ۴۰۹؛ منصور، قوانین و مقررات مربوط به خانواده، ۱۶۵).

مقایسه تطبیقی بین قرآن و کنوانسیون

با بررسی و تحلیل قرآن و کنوانسیون حقوق کودک به راحتی می‌توان تفاوت‌هایی اساسی آن دو را ملاحظه کرد. این تفاوت‌ها و اختلافات در چند دسته قرار می‌گیرند.

یک. اختلافات مبنایی

الف) زیر بنای بحث‌های قرآن در مورد انسان و از جمله کودک، کرامت انسان است. در آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء / ۷۰) به این امر تأکید شده است؛ برای نمونه، وقتی پیرامون فرزند خواندگی بحث می‌کند، چنین می‌گوید؛ باید آنان را به نام پدران خودشان بخوانید و اگر نام پدران ایشان را ندانستید، آنان را برادران دینی بدانید. بر اساس این آیه هم احترام و حق پدران ایشان حفظ شده است و هم کرامت فرزند خوانده رعایت گردیده است. «ادْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب / ۵)؛ «آن (پسر خوانده)ها را به [نام] پدرانشان بخوانید که آن (کار) نزد خدا دادگرانه‌تر است؛ و اگر پدرانشان را نمی‌شناسید، پس برادران دینی شما و آزادشدگان‌تان هستند؛ و در مورد آنچه در آن (صدا زدن‌ها) خطا کرده‌اید، هیچ گناهی بر شما نیست، ولیکن در مورد آنچه دل‌هایتان به عمد (قصد) می‌کند (مسئولید)؛ و خدا بسیار آمرزنده مهرورز است».

اما با نگاهی به کنوانسیون می‌شود فهمید که اندیشه مصوبان آن این است که آنان کودک را تنها به این دلیل که صغیر و بی دفاع است و موجودی قابل ترحم می‌باشد، مورد ترحم قرار داده‌اند و به حقوق او پرداخته‌اند؛ برای مثال، در مقدمه کنوانسیون چنین آمده است: «کودک به خاطر عدم بلوغ جسمی و روانی خود، نیازمند حمایت ویژه حقوقی قبل و بعد از تولد می‌باشد» (سعیدنیا، مجموعه قوانین اطفال و نوجوانان، ۲۰۸)، در حالی که قرآن کودک را نیز انسانی دارای کرامت می‌دارند و نه فقط از جهت ترحم و به دلیل ظلم‌های بی‌شماری که به او شده است حقوق او را بررسی می‌کند، بلکه بدین دلیل که کودک نیز انسانی در مرتبه دیگر انسان‌ها قرار دارد و او را انسان آینده می‌بیند، مورد توجه قرار داده است.

نکته جالب توجه دیگر این است که حقوقی که قرآن مطرح می‌کند، در بسیاری از موارد بدون فرض نقض حقوق است؛ بدین معنا که قرآن قبل از اینکه هر گونه نقضی رخ دهد، آنها را مطرح نموده است و این از ویژگی‌های الهی بودن آن است، اما حقوق کودک در کنوانسیون زمانی مطرح شد که موارد زیادی از نقض حقوق کودکان در جهان دیده شد. این امر نشان از سبقت و کمال قرآن نسبت به قوانین بشری از جمله کنوانسیون حقوق کودک دارد.

ب) وقتی مبنای یک آیین و مکتب، الهی باشد (ذاریات / ۵۶)، همه مباحث و مسائل آن نیز رنگ الهی می‌پذیرد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ» (آل عمران / ۱۰۲)؛ «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمَكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (بقره / ۲۸۲).

انسان معتقد به خدا، به حقوق و اخلاق پایبندتر است؛ چون اخلاق در او نهادینه شده است. در واقع قرآن انسان مخاطب خود را تکلیف محور و مسئول و پاسخگو می‌داند؛ در نتیجه چنین انسانی تعهد پذیر نیز هست (امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، ۶۳).

آیات مربوط به مسئولیت انسان در چند دسته قرار می‌گیرند.

۱. مسئولیت انسان در مقابل خدا و رسول: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ» (محمد / ۳۳)؛

۲. مسئولیت انسان در مقابل خود و خانواده‌اش: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» (تحریم / ۶)؛

۳. مسئولیت در مقابل اجتماع و مومنین: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه / ۷۱)؛

در مقابل، چون مبنای کنوانسیون سکولاریزم و لیبرالیسم است، انسان را مسئول نمی‌داند. در نتیجه عدم تعهد چنین انسانی، ناگزیر باید به ضمانت‌های اجرایی دیگری از نوع بشری آن همچون حکومت‌ها، دادگاه‌ها و مجامع بین‌المللی تمسک جست. اما از آنجا

که در زیر بنای این ضمانت‌ها نیز اخلاق حضور کم‌رنگی دارد، باز هم نسبت به ضمانت‌های اجرایی قرآن از ضعف و نقصان برخوردار است. این امر در بخش‌هایی از کنوانسیون نمود دارد که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

مقدمه کنوانسیون

«بر اساس اصول پایه‌ای سازمان ملل متحد که از طرف تمامی نمایندگان جامعه بشری عضو آن پذیرفته شده است، احترام به ارزش ذاتی و برابری خدشه‌ناپذیر حقوقی انسان‌ها ترسیم‌گر آزادی، عدالت و صلح در جهان است. ملت‌های دنیا بر مبنای اعتقاد به مقام و منزلت انسانی، خواهان سعادت عموم بشر در قالب پیشرفت‌های اجتماعی، بهبود وضعیت زندگی همراه آزادی‌های هر چه بیشتر هستند.

با اعلام پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی سازمان ملل متحد و تضمین بهره‌مندی تک‌تک افراد بشر از حقوق مندرج در آن به دور از وابستگی‌های نژادی، جنسی، مذهبی، فرهنگی، سیاسی، مالی، قومی و یا هرگونه تبعیض دیگری و با توجه به اینکه سازمان ملل متحد در اعلامیه جهانی حقوق بشر به رعایت حقوق ویژه کودکان و حمایت آنها تأکید کرده است... این کنوانسیون تصویب می‌شود» (سعیدنیا، مجموعه قوانین اطفال و نوجوانان، ۲۰۸).

ماده ۴۳: کمیسیون حقوق کودکان، برای کنترل پیشرفت اموری که حکومت‌های عضو پیمان، تضمین آن را داده‌اند، تشکیل می‌شود.

ماده ۴۵: برای پیشبرد و اجرای قاطع این پیمان‌نامه و گسترش همکاری‌های بین‌المللی در این رابطه؛ کارگاه کمک به کودکان و دیگر سازمان‌ها و تشکیلات ویژه سازمان ملل، در مسایل مربوط به زمینه کاری خودشان، نماینده سازمان ملل متحد برای اجرای پیمان‌های بین‌المللی هستند.

ماده ۴۶: این پیمان‌نامه جهت امضا در اختیار همه حکومت‌ها قرار دارد.

ماده ۴۷: این پیمان‌نامه در اختیار دبیر کل سازمان ملل متحد گذاشته شده است.

ماده ۴۸: این پیمان‌نامه جهت پذیرش در اختیار همه حکومت‌ها قرار گرفته و سند توافق هر حکومت تحت عنوان «پذیرش‌نامه» نزد دبیر کل می‌باشد.

ماده ۴۹: هرگاه حکومتی به این پیمان‌نامه پیوسته و پذیرش‌نامه را امضا کند، تاریخ قدرت اجرایی برای آن حکومت، سی روز پس از امضای پذیرش‌نامه است.

ماده ۵۳: دبیر کل سازمان ملل متحد به عنوان نگهدارنده و حافظ این پیمان‌نامه تعیین می‌شود (سعیدنیا، مجموعه قوانین اطفال و نوجوانان، ۲۳۵-۲۴۱).

دو: اختلافات محتوایی

با بررسی محتوایی هر یک از دو منبع حقوقی مورد بحث، چند نکته را یادآوری می‌کنیم.

اول. قرآن در جهت حقوق کودک افراط و تفریط نکرده است؛ بدین معنا که آنچه حق کودک بوده کامل و تمام گفته است و همان‌طور که گفته شد، هر دو جنبه مادی و معنوی حقوق را مطرح کرده است و حتی بیشتر از حقوق مادی به حقوق معنوی و اخلاقی پرداخته است، اما به نظر می‌رسد کنوانسیون در برخی جهات دچار افراط و تفریط‌هایی شده است؛ برای مثال، در بحث تربیت و حقوق معنوی کوتاهی کرده است، و تنها در ماده ۲۸ به حق آموزش و پرورش و در ماده ۲۹ به اهداف تربیتی اشاره‌ای کلی و گذرا کرده است. این دو ماده چنین است:

- «ماده ۲۸ (حق آموزش و پرورش):

۱. حکومت‌ها حق آموزش و پرورش را برای کودک به رسمیت می‌شناسند.
۲. حکومت‌های عضو پیمان کوشش خود را می‌کنند تا روند آموزش و پرورش در مدارس درخور منزلت انسانی بوده و با محتوای این عهدنامه هم‌خوان باشد.
۳. حکومت‌ها از همکاری‌های بین‌المللی در امور آموزشی و پرورشی استقبال کرده و به خصوص هدف ریشه‌کنی بیسوادی و گسترش فن و دانش را دنبال می‌کنند.

- «ماده ۲۹ (اهداف تربیتی):

۱. حکومت‌های عضو پیمان تأیید می‌کنند که تربیت باید:

الف) شخصیت، استعداد و توانایی‌های روانی و جسمی کودک را تقویت و شکوفا نماید.
ب) احساس احترام و توجه به حقوق بشر و آزادی‌های پایه‌ای مصوب سازمان ملل متحد را در کودک پرورش دهد.

ج) نسبت به والدین، هویت فرهنگی و زبان و ارزش‌های ملی سرزمین پدری، ایجاد علاقه و توجه نموده و احترام به فرهنگ دیگر سرزمین‌ها را تقویت کند.

د) کودک را برای زندگی در یک جامعه آزاد بر پایه تفاهم، صلح، تحمل دگراندیشان و دیگرباشان، تساوی حقوق زن و مرد و دوستی خلق‌ها و گروه‌های قومی یا ملی - مذهبی آماده کند.

هـ) علاقه و توجه به کودک را نسبت به محیط زیست و طبیعت بیشتر کند» (سعیدنیا، مجموعه قوانین اطفال و نوجوانان، ۲۲۶-۲۲۸).

همچنین در برخی ماده‌ها افراط مشاهده می‌شود؛ مثلاً در ماده ۳ درباره نفع کودک چنین آمده است: «در انجام هر اقدامی که به نوعی به کودک مربوط می‌شود، چه در بخش عمومی، خصوصی، اداری یا هر بخش دیگری، رعایت نفع و تأمین سلامت کودک بر سایر مسایل تقدم دارد» (سعیدنیا، مجموعه قوانین اطفال و نوجوانان، ۲۱۱).

دوم. قرآن نگاه همه جانبه دارد؛ زیرا حق و تکلیف را با هم جمع کرده است؛ یعنی در قبال حقوق کودک، برای او وظایفی هم قائل شده است؛ مثلاً در سوره نور وظایفی را برای کودک در رعایت حقوق والدین مطرح می‌کند؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَسْتَتِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهْرِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوْفُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَتِنُوا كَمَا اسْتَتَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (نور / ۵۸-۵۹)؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! باید کسانی (از بردگان) که مالک شده‌اید و کسانی (از کودکان) که به بلوغ نرسیده‌اند، در سه مرتبه از

شما رخصت بگیرند: پیش از نماز صبح، و هنگام نیمروز که لباس‌های (رسمی) خود را فرو می‌نهد، و بعد از نماز عشا، [اینها] سه (وقت مخصوص) امور جنسی شماست؛ که بعد از آن (زمان) ها هیچ گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون رخصت وارد شوند، چراکه) برخی از شما بر (گرد) برخی (دیگر) از شما می‌چرخید؛ اینگونه خدا آیات را برای شما روشن بیان می‌کند، و خدا دانای فرزانه است. و هنگامی که کودکان شما به بلوغ می‌رسند پس باید (در همه اوقات برای ورود به اتاق خصوصی پدر و مادر) رخصت بگیرند، همان گونه که کسانی (از بزرگسالان) که پیش از آنان بودند رخصت می‌گرفتند؛ اینگونه خدا آیاتش را برای شما روشن بیان می‌کند، و خدا دانایی فرزانه است. این در حالی است که در کنوانسیون هیچ بحثی از وظایف کودکان به میان نیامده است.

سوم: در ماده یک کنوانسیون، «کودک» را این گونه معرفی می‌نماید: «از نظر این کنوانسیون منظور از کودک افراد انسانی زیر سن هجده سال است، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود» (سعیدنیا، مجموعه قوانین اطفال و نوجوانان، ۲۱۰).

بنابر کنوانسیون حقوق کودک، افراد انسانی کمتر از هیجده سال، کودک محسوب می‌شوند. این تعریف انتهای کودکی را مشخص نموده، اما به ابتدای کودکی اشاره‌ای ندارد، گویا این مسئله بدیهی است که ابتدای کودکی از زمان تولد انسان است، لکن از نظر قرآن، ابتدای کودکی از لحظه انعقاد نطفه بوده و انتهای آن از ابتدای بلوغ می‌باشد؛ زیرا هر فرد انسانی از لحظه انعقاد نطفه از حقوق خاص برخوردار می‌گردد که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. قرآن در مراحل جنینی از کودک با عنوان «انسان» یاد می‌کند: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ (مومنون/ ۱۲ و ۱۴) «و به یقین، انسان را از چکیده‌ای از گِل آفریدیم؛ سپس او را آب اندک سیالی در جایگاه استوار [= رحم] قرار دادیم؛ سپس آب اندک

سیال را به صورت [خون بسته] آویزان آفریدیم؛ و [خون بسته] آویزان را به صورت (چیزی شبیه) گوشت جویده شده آفریدیم؛ و گوشت جویده شده را به صورت استخوان‌هایی آفریدیم و بر استخوان‌ها گوشتی پوشاندیم؛ سپس آن را به صورت آفرینش دیگری پدید آوردیم؛ و خجسته باد خدا، که بهترین آفرینندگان است!».

همچنین قرآن در بحث از ارث می‌فرماید: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ...»؛ (نساء / ۱۰). این تعبیر نشان از این دارد، که قرآن جنین را هم دارای حقوقی می‌داند؛ به همین سبب فقها نیز به ارث بردن جنین فتوا داده‌اند. در قانون مدنی نیز چنین آمده است: باید برای جنین سهم‌الارث کنار گذاشته شود (ماده ۸۷۵ و ۸۷۸ قانون مدنی) همچنین حق نفقه نیز دارد (ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی). (اسعدی، خانواده و حقوق آن، ۴۱۶)؛ (العك، تربية الابناء و البنات في ضوء القرآن و السنة، ۳۰ - ۳۹)

نکته دیگر اینکه کنوانسیون انتهای کودکی را تمام شدن هجده سال می‌داند (سعیدیا، مجموعه قوانین اطفال و نوجوانان، ۲۱۰)، در حالی که قرآن انتهای کودکی را بلوغ می‌داند. «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ بَيِّنٌ لِلَّهِ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نور / ۵۹)؛ «و هنگامی که کودک شما به بلوغ می‌رسند پس باید (در همه اوقات برای ورود به اتاق خصوصی پدر و مادر) رخصت بگیرند، همان گونه که کسانی (از بزرگسالان) که پیش از آنان بودند رخصت می‌گرفتند؛ اینگونه خدا آیاتش را برای شما روشن بیان می‌کند، و خدا دانایی فرزانه است».

چهارم: حیات اخروی از مهم‌ترین حقوق کودک، بلکه مهم‌ترین حق انسانی است، ولی کنوانسیون بدان نپرداخته است. آیات قرآنی در این زمینه بسیار است. در تمامی این آیات توجه به حیات اخروی و خط فکری صحیح بر عهده والدین نهاده شده و از حقوق کودک شمرده شده است.

۱. «وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي

قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۲﴾ (بقره / ۱۳۲-۱۳۳)؛ «و ابراهیم و یعقوب (در واپسین لحظات عمر) فرزندان خود را به این آیین وصیت کردند (و به فرزندان خویش گفتند): «فرزندان من! خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است و شما جز به آیین اسلام [تسلیم در برابر فرمان خدا] از دنیا نروید. آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید؟ در آن هنگام که به فرزندان خود گفت: «پس از من، چه چیز را می‌پرستید؟» گفتند: «خدای تو، و خدای پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، خداوند یکتا را، و ما در برابر او تسلیم هستیم».

۲. ﴿يَأْتِيهَا مِنْ تَحْتِ مِثْقَالِ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ﴾ (لقمان / ۱۶)؛ «پسرم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (کار نیک یا بد) باشد، و در دل سنگی یا در (گوشه‌ای از) آسمان‌ها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می‌آورد. خداوند دقیق و آگاه است!»

۳. ﴿وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَتَادِي نُوحًا ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَبْنِي أَرْكَبَ مَعْنًا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ﴾ (هود / ۴۲)؛ «و آن کشتی، آنها را از میان امواجی همچون کوه‌ها حرکت می‌داد (در این هنگام) نوح فرزندش را که در گوشه‌ای بود، صدا زد: «پسرم! همراه ما سوار شو، و با کافران مباش.»

۴. ﴿وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ (لقمان / ۱۳)؛ (به خاطر بیاور) هنگامی را که لقمان به فرزندش - در حالی که او را موعظه می‌کرد - گفت: «پسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است.

پنجم: قرآن حتی به جزئیات حقوق هم اشاره کرده است؛ نمونه، حق شیرخوارگی و

حق اسم برای کودک را به طور مفصل چنین شرح می‌دهد:

۱. ﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنَ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْفِقَ مِنْهُ الرِّضَاعَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ بَوْلِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا

جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوهُمَا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَأَلْتُمْ مَاءً آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره / ۳۳)؛ «مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می‌دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده [پدر]، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن پردازد حتی اگر طلاق گرفته باشد). هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر. و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد [هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تأمین نماید]. و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را (زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست. و اگر (با عدم توانایی، یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست به شرط اینکه حق گذشته مادر را به طور شایسته پردازید. و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و بدانید خدا، به آنچه انجام می‌دهید، بیناست!»

۲. «يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلْمٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا» (مریم / ۷)؛ «ای زکریا! ما تو را به فرزندی بشارت می‌دهیم که نامش «یحیی» است و پیش از این، همنامی برای او قرار نداده‌ایم».

۳. «وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذَرَيْتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (آل عمران / ۳۶)؛ «من او را مریم نام گذاردم و او و فرزندانش را از (وسوسه‌های) شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می‌دهم».

اما در مقابل، کنوانسیون یا به این جزئیات بسیار مهم که هیچ یادکردی از آن نمی‌کند، و مانند حق شیرخوارگی یا اگر از آن یاد کرده است مانند حق اسم، صرفاً کلی و بدون دادن هرگونه روش و الگو می‌باشد.

ماده ۷: هر کودکی از بدو تولد حق داشتن یک نام را دارد که باید در دفاتر مربوطه ثبت شود. همچنین داشتن تابعیت حق اوست و در صورت امکان باید والدین خود را شناخته و از سوی آنها نگهداری شود.

ماده ۸؛ حکومت‌های عضو پیمان موظف هستند که حقوق کودک را رعایت کرده و هویت فردی، تابعیت، نام و روابط شناخته شده خانوادگی او را مطابق قانون حفظ نمایند.» (سعیدنیا، مجموعه قوانین اطفال و نوجوانان، ۲۱۲ و ۲۱۳)

ششم: با توجه به اینکه کنوانسیون تنها مشتمل بر ۵۴ ماده می‌باشد که البته بخشی از آن مواد ناظر به شکل ظاهری کنوانسیون، اجرا، امضا، نگهداری آن و... می‌باشد و اینکه در همان مواد اصلی نیز به صورت کلی و مبهم بحث کرده، نشان دهنده این است که این کنوانسیون از جامعیت لازم برخوردار نبوده و دارای کاستی‌ها و نقایص بسیار می‌باشد.

سه. اختلافات روشی

الف) قرآن ساختارهای مناسب برای تأمین حقوق کودک را نیز پیش‌بینی کرده است، مثلاً در درجه اول خانواده یعنی پدر و مادر (بقره/ ۲۳۳)، سپس اطرافیان و دوستان یعنی اجتماع (نساء/ ۶) و آنگاه حکومت اسلامی (یوسف/ ۲۱) است و بیشترین تأکید قرآن بر روی خانواده است. اما کنوانسیون نسبت به چینش ساختارها از نظر درجه‌بندی و قرار گرفتن در جایگاه مناسب خودش دقت لازم را به کار نگرفته است و بیشترین تأکید آن بر روی دولت‌ها و مجامع بین‌المللی است.

ماده ۴: حکومت‌های عضو پیمان، اقدام‌های ضروری و مناسب قانونی، اداری و غیره را به عمل می‌آورند تا حقوق پذیرفته شده در این عهدنامه را اجرا نمایند. حکومت‌ها برای تحقق مفاد این عهدنامه با توجه به حقوق و اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، تا آخرین حد ممکن از تمامی منابع موجود ملی خود و در صورت نیاز بین‌المللی استفاده می‌کنند.» (سعیدنیا، مجموعه قوانین اطفال و نوجوانان، ۲۱۱).

ب) برای تأمین حقوق کودک روش‌های متفاوتی وجود دارد. قرآن روش‌های رعایت حقوق را به طور جزئی به شیوه‌های گوناگونی مثل قصه، الگوسازی، مثال‌های عینی و حقیقی، امر و نهی و... بیان کرده است. اینکه چه شیوه‌ای کجا باید به کار گرفته شود و نیز تنوع این شیوه‌ها حسن دیگر و برتری قرآن بر کنوانسیون می‌باشد.

قرآن در لابلای داستان‌های پیامبران الهی همچون ابراهیم، موسی، عیسی، یوسف، سلیمان علیهم‌السلام و... مباحث حقوق کودک را به صورت غیر مستقیم تذکر می‌دهد و نمونه‌های عملی آن را نشان می‌دهد. همچنین در داستان لقمان و برخی سوره‌های دیگر مانند سوره نور، حقوق کودک را در قالب امر و نهی و نصیحت به شکل مستقیم تذکر می‌دهد.

الف) روش غیر مستقیم

۱. حق نام نیکو

«یا زکریا إنا نبشركَ بِعِلْمِ اسْمِهِ يَحْيَىٰ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا» (مریم/۷) «ای زکریا ما تو را به فرزندی بشارت می‌دهیم که نامش «یحیی» است و پیش از این، همنامی برای او قرار نداده‌ایم.»

۲. حق مشورت

«فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا بَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ» (صافات/ ۱۰۲ و ۱۰۳)؛ «هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، گفت: «پسر! من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟» گفت: پدرم! هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت. هنگامی که هر دو تسلیم شدند و ابراهیم جبین او را بر خاک نهاد.»

۳. حقوق مالی

«وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَٰلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا» (کهف/ ۸۲)؛ «و اما آن دیوار، از آن دو نوجوان یتیم در آن شهر بود و زیر آن، گنجی متعلق به آن دو وجود داشت و پدرشان مرد صالحی بود و پروردگار تو می‌خواست آنها به حد بلوغ برسند و گنجشان را استخراج کنند این رحمتی از پروردگارت بود و من آن (کارها) را خودسرانه انجام ندادم این بود راز کارهایی که نتوانستی در برابر آنها شکیبایی به خرج دهی.»

ب) روش مستقیم

۱. «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»

(لقمان/۱۳)؛ «(به خاطر بیاور) هنگامی را که لقمان به فرزندش - درحالی که او را موعظه می کرد - گفت: «پسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است».

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَذِذِ الْبَلَّغُ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ سَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِحُكْمِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ مَا يَأْمُرُهُمْ اللَّهُ لِيَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَظِيمٌ»

ثَلَاثَ مَرَّةٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهْرِ وَمِنَ اللَّيْلِ وَمِنَ الْعِشَاءِ ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوْفُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نور/۵۸)؛ «ای کسانی که ایمان آورید! باید کسانی (از بردگان) که مالک شده‌اید و کسانی (از کودکان) که به بلوغ نرسیده‌اند، در سه مرتبه از شما رخصت بگیرند: پیش از نماز صبح، و هنگام نیمروز که لباس‌های (رسمی) خود را فرو می‌نهد، و بعد از نماز عشا، [اینها] سه (وقت مخصوص) امور جنسی شماست؛ که بعد از آن (زمان) ها هیچ گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون رخصت وارد شوند، چراکه) برخی از شما بر (گرد) برخی (دیگر) از شما می‌چرخید؛ اینگونه خدا آیات را برای شما روشن بیان می‌کند، و خدا دانای فرزانه است.» در مقابل، بحث روش‌ها در کنوانسیون بسیار کلی و مبهم و بدون هرگونه دقت و نکته‌بینی مطرح شده است؛ چنان که در بخش اختلافات محتوایی اشاره کردیم و کلی‌گویی و ابهام ماده‌های ۲۸ (حق آموزش و پرورش) و ماده ۲۹ (اهداف تربیتی) را یادآور شدیم.

نتیجه

بعد از بررسی و تطبیق دو منبع حقوقی در زمینه حقوق کودک، روشن شد که کنوانسیون حقوق کودک در دو امر نسبت به قرآن نقص و کاستی دارد. اول در کمیت حقوقی از این حیث که نسبت به قرآن، حقوق کمتری را برای کودک مطرح کرده است، مخصوصاً در قسمت حقوق معنوی که اهمیت بیشتری نسبت به حقوق مادی دارد. دوم در کیفیت حقوق؛ بدین معنا که سطح ارزشی، روشی و محتوایی آن دچار لغزش‌های فراوان است.

پی‌نوشت‌ها

[۱] یکی از ویژگی‌های حقوق خانواده سهم مهم و بارزی است که اخلاق و مذهب در این شاخه حقوق مدنی دارد. چهره اخلاقی قواعد حاکم بر روابط خانوادگی در شیوه تفسیر و انتخاب راه حل‌ها نیز اثر فراوان دارد. حقوق‌دان در مقام تفسیر و اجرای این گروه از قواعد باید به «عنوان انسانی اخلاقی» به موضوع بنگرد. باید به خاطر داشته باشد که با رابطه دو انسان بی‌هیچ واسطه‌ای روبه‌رو است و هدف این بخش از حقوق با معاملات و تعهدات قراردادی تفاوت دارد. باید در تلطیف و اخلاقی کردن قواعد بکوشد و سرنوشت خانواده را فدای منطق خشک نسازد. به مصلحت‌اندیشی پردازد و آرمان‌های اخلاقی را در تعبیر قواعد مؤثر سازد. شیوه‌ای که به «تحقیق علمی» نزدیک می‌شود و واقع‌گرایی در آن دخالت دارد.

این کتاب تنها حقوق نیست، آمیزه‌ای است از حقوق و اخلاق، از آنچه هست و آنچه بایستی باشد. نویسنده حقوق همین که به خانواده می‌رسد فنونی را که از پیش آموخته، نارسا می‌بیند و پای استدلالیان را چوبین، حق نیز همین است؛ زیرا به دشواری می‌توان عواطف انسان و بازتاب‌های طبیعی او را در قالب قواعد محصور کرد (کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق خانواده، ۲۱).

[۲] قبل از ظهور اسلام در جزیره العرب، پدران فرزندان خود را با علم به اینکه دختر هستند، زنده به گور می‌کردند. پس از آمدن اسلام کرامت و حق زندگی به انسان داده شد و اعراب جاهلی را از این عمل زشت بازداشت. اما با پیشرفت علم و تکنولوژی و با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی همچنان این‌گونه اقدامات ناشایست از سوی برخی از کشورها چون هند و چین صورت می‌گیرد. والدین قبل از به دنیا آمدن کودک از جنس جنین آگاه شده و به محض اینکه بفهمند فرزند آنها دختر است، آن را از بین می‌برند. این نشان می‌دهد که هنوز هیچ قانون بین‌المللی برای حمایت از حقوق کودکان وجود ندارد (بهشتی، اسلام و حقوق کودک، ۳۲).

فهرست منابع

- ۱- اسعدی، حسن، خانواده و حقوق آن، مشهد، به نشر، ۱۳۸۷.
- ۲- امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴.
- ۳- بختیار نصر آبادی، حسنعلی، نگاهی به اصول و راهبردهای تربیت کودک با تأملی بر آیات و روایات، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۸.
- ۴- بهشتی، احمد، اسلام و حقوق کودک، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.
- ۵- _____، تربیت کودک در جهان امروز، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۷.
- ۶- رشیدپور، مجید، تربیت کودک از دیدگاه اسلام، تهران، سازمان انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۸.
- ۷- سعید نیا، محمد رضا، مجموعه قوانین اطفال و نوجوانان، تهران، حقوقی، ۱۳۸۵.
- ۸- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، تهران، رشدیه، چاپ سوم، ۱۳۷۱.
- ۹- عبادی، شیرین، حقوق کودک، تهران، کانون، ۱۳۷۵.
- ۱۰- العک، عبدالرحمن، تریة الابناء والبنات فی ضوء القرآن والسنة، بیروت، دارالمعرفه، الطبعة السادسة، ۱۴۲۴ ق.
- ۱۱- عماد زاده، محمد کاظم، حقوق بین الملل عمومی، تهران، اتا، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- ۱۲- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق خانواده، یلدا، ۱۳۷۵.
- ۱۳- لباف، فریبا، حقوق فرزند از نظر قرآن و سنت، تهران، زهد، ۱۳۸۵.
- ۱۴- منصور، جهانگیر، قوانین و مقررات مربوط به خانواده، تهران، دوران، ۱۳۸۲.